

چگونه می‌توانیم در ماه رمضان بیشتر مقرب شویم؟

پناهیان: رمضان ماه معنویت سکولار و فاصله گرفتن از جامعه و رها کردن مردم نیست/ زندگی در فضای تقرب را وقتی خوب لمس می‌کنی که خیلی سیاسی و انقلابی باشی/ معنویت جبهه‌ها به همین دلیل بود

حجت الاسلام پناهیان در آخرین جلسه هفتگی سخنرانی خود در **هیئت شهدای گمنام** قبل از ماه مبارک رمضان، به موضوع **«آمادگی برای ماه مبارک رمضان»** پرداخت. در ادامه فرازهایی از این سخنرانی را می‌خوانید:

اگر از فرصت ماه مبارک رمضان استفاده نکنیم، شاید نام ما جزء متکبرین نوشته شود

- در میان ماه‌های سال، فرصتی که در این فرصت بیش از هر زمان دیگری می‌توانیم به خدا نزدیک بشویم، ماه مبارک رمضان است. اگر از این فرصت استفاده نکنیم خدا حق دارد در اوقات دیگر هم ما را از مقرب شدن محروم کند. اگر از فرصت ماه مبارک رمضان خوب استفاده نکنیم شاید نام ما جزء متکبرین و مستکبرین نوشته شود؛ کما اینکه فرمود: **«إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»** (غافر/۶۰)
- تا وقتی ابواب رحمت الهی باز نشده و آن همه مغفرت بر سر و روی ما بارش نگرفته است، اگر دعا نکرديم و در خانه خداوند نرفتيم، البته کار بدی کرده‌ایم، ولی نام ما را جزء مستکبرین نمی‌نویسند. اما وقتی خدا ابواب رحمتش را باز کرد و فرمود: **«مرا بخوانید، تا دعای شما را مستجاب کنم؛ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»** (همان) و ما این فرصت را از دست دادیم، اینجا دیگر حق‌مان است اگر اسم ما را جزء مستکبرین بنویسند. لذا ماه مبارک رمضان در عین حال که محبوب است و رحمت دارد، هیبت و عظمت هم دارد.

هر مشکلی داریم به خاطر دوری‌مان از خداست/اگر به خدا مقرب شویم، همه مشکلاتمان حل می‌شود

- برای ماه مبارک رمضان باید آماده شد و ماه شعبان برای این منظور، خیلی زمان مهمی است. در این روزهای پایانی ماه شعبان - از خدا بخواهیم که گذشته ما را جبران کند و یک آینده خوب برای ما رقم بزند. ما اگر به خدا مقرب شویم همه اوضاع و احوال روحی‌مان مرتب خواهد شد، چون هر مشکلی داریم به خاطر دوری‌مان از خداست.
- رزمنده‌های دفاع مقدس به‌صورت اعجاب‌برانگیزی این حقیقت را دریافت کرده بودند. وقتی کار جنگ گره می‌خورد، می‌رفتند در خانه خدا، عبادت می‌کردند، ذکر می‌گفتند. و وقتی برمی‌گشتند، گره‌ها باز می‌شد. این را باور کرده بودند. منتظر کسی نمی‌شدند، یک‌تنه می‌رفتند در خانه خدا و پیوندشان را با خدا برقرار می‌کردند بعد برمی‌گشتند و گره‌ها را باز می‌کردند.

رزمندگان ما باور کرده بودند تا اتصال به خدا نداشته باشند کارشان پیش نمی‌رود

- یقیناً نمی‌شود همه موفقیت‌های رزمندگان را صرفاً به هوش نظامی آنها نسبت داد. البته آنها بسیار باهوش بودند اما همه‌اش این نبود. این بچه‌ها گاهی یک طرح‌هایی می‌ریختند که تمام اتاق فکرهای ارتش‌های جهان را شکست می‌دادند؛ چون همه اتاق فکرها پشت سر صدام بود.
- بچه‌های ما آن هوش نظامی خود را از ارتباطشان با خدا در می‌آوردند. و می‌دانید چه چیزی را باور کرده بودند؟ باور کرده بودند تا اتصال به خدا نداشته باشند کارشان پیش نمی‌رود، فکرشان کار نمی‌کند، اوضاع به نفع‌شان نمی‌شود. می‌فهمیدند زندگی یک انسان

مقرب چقدر متفاوت است با زندگی انسانی که مقرب نیست. آنها فقط عاشق نبودند؛ بلکه خائف بودند از اینکه مبادا از خدا فاصله بگیرند. چیزی که ما کم می‌توانیم پیدا کنیم، این است که «بترسیم از اینکه از خدا فاصله داشته باشیم»

کسی که شیرینی نزدیک بودن به خدا را چشیده، از فاصله داشتن با خدا می‌ترسد

- ما غالباً از فاصله داشتن با خدا نمی‌ترسیم، اما شهدا (رزمندگان) از فاصله داشتن با خدا می‌ترسیدند؛ از بس که شیرینی نزدیک بودن به خدا را چشیده بودند، نه اینکه بترسند خدا آنها را بزند! امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: خوف شیعیان ما ناشی از محبتی است که به خدا دارند، می‌ترسند نتوانند حقیقتش را ادا کنند. **(وَ هُمْ فِي ذَلِكَ خَائِفُونَ أَنْ لَا يُقْبَلَ مِنْهُمْ وَ لَيْسَ وَاللَّهِ خَوْفُهُمْ خَوْفَ شَكٍّ فِيمَا هُمْ فِيهِ مِنْ إِصَابَةِ الدِّينِ وَ لَكِنَّهُمْ خَافُوا أَنْ يَكُونُوا مُقْصِرِينَ فِي مَحَبَّتِنَا وَ طَاعَتِنَا؛ کافی ۱۲/۸)** اینها لذت تقرب را چشیده‌اند! زندگی انسان مقرب با انسانی که مقرب نیست خیلی فرق می‌کند. اینها می‌دانند که حتماً باید ذکر بگویند تا مقرب باقی بمانند یا به خدا نزدیک‌تر شوند. و کسی که این طوری باشد، زندگی متفاوتی خواهد داشت و شبیه ملائکه زندگی می‌کند. یعنی مانند فرشتگان مأمور پروردگار می‌شود.
- انسان مقرب چشم و گوش دیگری پیدا می‌کند. گویا در سطح دیگری از نظام آفرینش قرار گرفته است. حضرت امام (ره) این طوری بود. آیت الله بهاء‌الدینی (ره) -در اولاتل انقلاب- از حضرت امام (ره) پرسیده بود: می‌دانید چه خطراتی در پیش است؟ امام (ره) فرموده بود: «کار دست من نیست!» می‌دانید این یعنی چه؟ یعنی یک نوع «بی‌خود شدن» و «از خود رها شدن» و بچه‌ها هم در جبهه وقتی مقرب می‌شدند، بی‌خود می‌شدند یعنی از خود رها می‌شدند. و این یک سگر و مستی‌ای را به دنبال می‌آورد. عرفا در ادبیات شاعرانه به دنبال همین مستی هستند.

کسی که مقرب شود «بی‌خود» و «بی‌من» می‌شود/ کسی که «بی‌خود» شود نیروی ثقل انانیت، روحش را به زمین نمی‌کشاند

- بی‌خود شدن یک شیرینی و حلاوت خاصی دارد. کسانی که به خدا مقرب می‌شوند «بی‌خود» می‌شوند یعنی «بی‌من» می‌شوند. «من» یک ثقل بالایی دارد و خیلی سنگین است، این سنگینی، روح انسان را روی زمین نگه می‌دارد و نمی‌گذارد بالا برود. تعبیر قرآن کریم -در باره کسانی که در امر جهاد سستی می‌کنند- این است: **«ثَأَقَلُّنَا إِلَى الْأَرْضِ»** (توبه ۳۸) یعنی ثقل شما زیاد شده و به زمین چسبیده‌اید! اما در جبهه می‌دیدیم که رزمندگان (شهدا) واقعاً سبک‌بال می‌شدند، انگار دارند در آسمان حرکت می‌کنند.
- کسی که «بی‌خود» بشود دیگر نیروی ثقل انانیت، روح او را به زمین نمی‌کشاند و نمی‌خراشد، یک سبک‌بالی و قدرت و بصیرت خاصی پیدا می‌کند! مثل این است که انسان بر جاذبه زمین غلبه کند و بالا برود؛ بدون اینکه بال بزند. این کار را با یک اراده مخصوص، انجام می‌دهد و اگر لحظه‌ای آن اراده را قطع کند، پایین می‌افتد.

بی‌خود شدن به انسان قدرت فوق‌العاده‌ای می‌دهد

- باید «بی‌خود» شوی. گاهی اوقات آدم با بلا بی‌خود می‌شود و گاهی با معرفت. ولی آن حالت بی‌خود شدن، آن قدر فوق‌العاده است که در آن حالت، قدرت انسان بسیار بالا می‌رود و انسان قوی می‌شود! مثلاً قدرت ذهن انسان خیلی بالا می‌رود.
- وقتی امام زمان ارواحنا له الفداء تشریف‌فرما شوند به هر مرد مؤمنی قدرت چهل مرد می‌دهند. **(لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زَبْرِ الْحَدِيدِ وَ أُعْطِيَ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا؛ غیبت نعمانی/ص ۳۱۰)** معلوم است که این قدرت را به «ولایت‌ندارها» نمی‌دهند بلکه این

ولایت‌مدارها هستند که چنین قدرتی پیدا می‌کنند. اما این قدرت از کجا ناشی می‌شود؟ چون اینها به اوج بی‌خودی و به اوج تقرب می‌رسند، به اوج قدرت می‌رسند. و بچه‌ها در جبهه این را درک می‌کردند. اصلاً سرگرمی و مشغولیت‌شان این بود؛ مشغول مقرب شدن به خدا بودند و مراقب بودند از خدا فاصله نگیرند! و برای رسیدن به آن مستی‌ای که گاهی تجربه‌اش کرده بودند، ذکر می‌گفتند و نماز شب می‌خواندند. بعد دوست داشتند با «آن قدرت» کار کنند، طراحی کنند و نقشه بریزند! چون می‌فهمیدند وقتی با آن قدرت کار می‌کنند واقعاً کارشان متفاوت است. و این قدرت از شدت اتصال و چسبیدگی به خداوند متعال به دست می‌آید.

- بچه‌ها در جبهه تقرب را چشیده بودند، تجربه کرده بودند، مزه کرده بودند. بعد با آن حس و حال، کار می‌کردند. اما وقتی به شهر می‌آمدند و در شهر به دنبال فضای تقرب یا حس و حال تقرب می‌گشتند، پیدا نمی‌کردند، لذا از اینجا فرار می‌کردند و به جبهه برمی‌گشتند. البته نمی‌توانستند به کسی توضیح بدهند که دلیلش چیست؟ فقط می‌گفتند: «دل‌م گرفته، سنگین شده‌ام.» چون این حس و حال اصلاً گفنی و نوشتنی نیست.

ماه رمضان، فرصتی برای تقرب است/ انسان مقرب، زندگی متفاوتی دارد

- تقرب را باید چشید، باید مزه کرد و فرصت ماه مبارک رمضان، فرصتی برای تقرب است. زندگی متقربانه یک زندگی دیگری است. انسان بعد از اینکه مقرب شد یک‌طور دیگری زندگی می‌کند و زندگی متفاوتی خواهد داشت. تقرب یک فضای مخصوص و یک حس ویژه ایجاد می‌کند، بالاخره انسانی که مقرب است با کسی که مقرب نیست فرق می‌کند! شما که نزدیک قبور مطهر ائمه هدی(ع) می‌شوی، حسّت فرق می‌کند؛ حالا اگر نزدیک خدا بشوی چه می‌شود؟
- رمضان فرصتی برای مقرب شدن ماست؛ مقرب شدنی بیش از وقت‌های دیگر! و این حس تقرب را باید چشید و لمس کرد. مثلاً اگر توبهات قبول شود مقرب می‌شوی. اگر برای اعمال نیت داشته باشی که به خاطر خدا انجام دهی، مقرب می‌شود. اگر مراقبت کنی که مبادا دل او را برنجانی، مقرب می‌شوی. اگر به‌خاطر جدا شدن از خدا در لحظه‌ای غفلت، ناراحت بشوی، مقرب می‌شوی؛ و بسیاری از اوقات می‌فهمی که مقرب شده‌ای!

باید مقرب شدن را تجربه کنی و آثارش را در روح و جسم و حرکات خود ببینی

- باید مقرب شدن را تجربه کنیم، باید آثارش را در روح و جسم و تمام حرکات خود ببینیم! باید بفهمیم نماز ما متفاوت شده است! این قدر در خانه خدا ضجه خواهیم زد، زمین و آسمان را به‌هم خواهیم دوخت؛ تا تجربه کنیم. ما باید مقرب بشویم، ما راه دیگری نداریم و فرصت دیگری هم نداریم.
- اصلاً نباید این کار را به تأخیر انداخت. نگوئید: «بعداً مقرب می‌شوم؟» اگر الآن که بهتر هستی، مقرب نشوی، بعداً که بدتر می‌شوی و بیشتر فاصله می‌گیری چطور مقرب خواهی شد؟! این چیزی نیست که آن‌را برای بعداً بگذارم و مثلاً بگویم: «بعداً توبه می‌کنم؟» خُب همین الآن توبه می‌کنم. اگر قرار است بعداً ذائقه من تغییر پیدا کند تا گناه و دنیا را کنار بگذارم، خُب همین الآن ذائقه من تغییر پیدا کند!

در فضای تقرب باید ۲۴ ساعته برای همه کارهای نیت قربت داشته باشی

- رمضان فرصتی است برای تقرب و تقرب را باید تجربه کرد. در فضای نزدیک بودن به پروردگار عالم زندگی کردن یک زندگی دیگری است! در این زندگی به ما می‌گویند: بیست و چهار ساعته باید نیت داشته باشی. کمالی‌کنه پیامبر گرامی اسلام(ص)

می‌فرماید: یا اباذر! برای همه کارهای خودت حتی برای خوردن و خوابیدن خودت هم نیت داشته باش، یعنی نیت قربه الی الله. (یا اَبَا ذَرٍّ لَیْکُنْ لَکَ فِی کُلِّ شَیْءٍ نِیَّهٌ حَتّٰی فِی النَّوْمِ وَ الْاَکْلِ؛ وسائل الشیعه/ج ۱/ص ۴۸) و (یا اَبَا ذَرٍّ، هُم بِالْحَسَنَةِ وَ اِنْ لَمْ تَعْمَلْهَا لَکِنَّا نُکْتَبُ مِنَ الْعَافِلِیْنَ؛ امالی طوسی/ص ۵۳۶) اگر نیت نداشته باشی چه می‌شود؟ جزء غافلان خواهی بود. همان غافلانی که در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ» مانند چهارپایان بلکه بدتر از آنها هستند. (امام صادق(ع): قَالَ بَدُّ اللَّعْبُدِ مِنْ خَالِصِ النَّیِّهِ فِی کُلِّ حَرَكَةٍ وَ سَکُونٍ اِذَا لَمْ یَکُنْ یَهْدِئَا الْمَعْنٰی یَکُونُ غَافِلًا وَ الْعَافِلُونَ قَدْ دَمَهُمُ اللهُ تَعَالٰی فَقَالَ اِنَّ هُمْ اِذَا کَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ سَبِیْلًا وَ قَالَ اُولَئِکَ هُمُ الْعَافِلُونَ؛ مصباح الشریعه/ص ۵۳)

- همان نیت «قربه الی الله» که همیشه باید سر نمازهایمان داشته باشیم؛ باید برای همه کارهای دیگر خودمان هم داشته باشیم. خداوند یک عرصه تجارتي را برای ما محیا کرده و می‌گوید: «همه کارهایت را به خاطر من انجام بده؛ من همه‌اش را از تو می‌خرم و تو را به خودم مقرب می‌کنم.» حالا کسی که در مقابل این پیشنهاد به خدا بگوید «نه!» چه نامی می‌توان روی او گذاشت؟!

گویا خدا در ماه رمضان می‌خواهد تجربه تقرب را به زور به ما بچشاند!

- مثلاً ما خسته هستیم و می‌خواهیم بخوابیم؛ خداوند می‌فرماید: «خُبْ به خاطر من بخواب!» ولی ما گوش نمی‌دهیم. یازده ماه از سال گوش نمی‌دهیم. بعد خداوند متعال می‌فرماید: «خُبْ، من در این ماه رمضان، به صورت اجباری یک تجربه‌ای به تو می‌چشانم!» مثلاً در ماه رمضان می‌گویند: خواب آدم روزه‌دار عبادت است. یعنی همین خوابش الآن دارد او را به من نزدیک می‌کند. لذا وقتی می‌خوابی و بلند می‌شوی، حال خوش معنوی داری، در حالی که وقت‌های دیگر اگر بخوابی و بلند شوی، معمولاً حالت گرفته است؛ چون می‌فهمی که از خدا دور شده‌ای. اما در ماه رمضان نه‌تنها خواب روزه‌دار بلکه نفس کشیدن او هم تسبیح است. (أَنْفَاسُکُمْ فِیهِ تَسْبِیْحٌ وَ نَوْمُکُمْ فِیهِ عِبَادَةٌ؛ امالی صدوق/۹۳)
- همین‌که به خاطر روزه گرفتن، دهانت بوی بد گرفته است، چون به خاطر خدا روزه گرفته‌ای، خداوند می‌فرماید: بوی دهان روزه‌دار، بهترین عطر است (وَ الَّذِی نَفْسٌ مَحْمَمٌ یَبِیدُهُ لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ عِنْدَ اللهِ أَطِيبٌ مِنْ رِیحِ الْمَسْکِ؛ من لا یحضره الفقیه/۷۵/۲) و تو می‌فهمی که همین تو را مقرب و نورانی کرده است. دیگر خداوند بهتر از این، چطور می‌تواند به زور به ما تجربه تقرب بدهد؟! یک نمونه دیگرش هم این است که یک آیه قرآن در ماه مبارک رمضان بخوانید، ثواب یک ختم قرآن به شما داده می‌شود.

برخی با احترام گذاشتن به ماه مبارک رمضان مقرب می‌شوند

- ما در ماه مبارک رمضان باید مقرب بشویم. بعضی‌ها با همین احترام گذاشتن به ماه مبارک رمضان مقرب می‌شوند. همین احترامی که می‌گذارند و مثلاً روزه پیشواز ماه مبارک رمضان می‌گیرند، مقرب می‌شوند یا همین‌که غصه می‌خورند که «چرا آماده نیستند؟!» مقرب می‌شوند.
- گویا خداوند در ماه مبارک رمضان می‌خواهد به زور تجربه تقرب به ما بدهد! مثلاً سحرها سبک‌تر و راحت‌تر از خواب بلند می‌شوی، در حالی که وقت‌های دیگر نمی‌توانی به این راحتی بلند شوی. با اینکه می‌خواهی سحری بخوری تا در طول روز گرسنه نشوی، اما خداوند به همین کار هم ثواب می‌دهد و می‌فرماید: «مستحب است سحری بخوری!» در حالی که اگر مستحب هم نبود، ما این کار را انجام می‌دادیم.

اگر شیرینی تقرب را تجربه کنیم کل ماه رمضان برای ما عید است / کافی است یکمقدار آداب ماه رمضان را رعایت کنی

- ببینید خداوند چطور دارد به زور، تو را به خودش نزدیک می کند و در آغوش می گیرد. کافی است یکمقدار آداب ماه مبارک رمضان را رعایت کنی. مثلاً یکی از آدابی این است که اگر کسی در این ماه، با تو مجادله کرد و تو خواستی جوابش را بدهی و اتفاقاً جواب دندان شکنی هم داشتی که بگویی و حالش را بگیری، این کار را انجام نده و پیش خودت بگو: «چون روزه هستم، جوابت را نمی دهم»
- رمضان فرصتی برای تقرب است. ای کاش ما شیرینی تقرب را تجربه کرده بودیم؛ آن وقت از اینکه مبدا این فرصت تقرب را از دست بدهیم، می ترسیم و این ترس، همه وجود ما را می گرفت. ای کاش شیرینی زندگی متفرانه را تجربه کرده بودیم تا کل ماه رمضان برای ما عید باشد، شاد باشد و روح و قلب و جگرمان از ماه مبارک رمضان حال بیاید تا نیاز نداشته باشیم شبها بنشینیم جُک بگوییم یا برنامه طنز ببینیم تا خوشحال بشویم! ولی الان شبهای ماه رمضان ما را دعوت می کنند و می گویند: بیاید بنشینید و برنامه طنز نگاه کنید! این طنز را باید بگذارید برای کسی که دلش گرفته، نه برای کسی که به خاطر ماه رمضان دلش شاد است. مگر عزا گرفته ایم که نیاز به جُک و برنامه طنز داشته باشیم! مگر وقتی به خدا نزدیک می شویم، عزا می گیریم؟!

چرا در ماه رمضان آدم بیشتر گریه می کند؟ / آدم شاد دوست دارد اشک بریزد، آدم غمگین دنبال خندیدن است

- چرا در ماه رمضان آدم زیاد گریه می کند؟ چون خیلی شاد است. آدم غمگین گریه نمی کند بلکه دنبال خندیدن است. این آدم شاد است که دوست دارد اشک بریزد. مثل اشک پدر مادرهایی که بچه شان را عروس دامادها کرده اند. اینها وقتی بچه شان به ثمر می نشیند، اشک و گریه خوشگلی دارند.
- هر کسی که وارد مجالس ذکر مؤمنین شد، باید بفهمد که اینها خیلی شاد هستند، البته در مجلس روضه امام حسین (ع) مردم این را کم و بیش می فهمند. مردم می فهمند شما بیشتر از اینکه برای امام حسین (ع) می سوزی، داری به امام حسین (ع) افتخار می کنی! افتخار به اینکه: «من آنم که حسین (ع) ارباب من است!» از چشمهای می بارد که داری لذت می بری و مردم این را می فهمند. وقتی گریه می کنی، وقتی داد می زنی یا وقتی سینه می زنی، مردم می فهمند که ته دلت شاد است، شاد از اینکه حسین داری، شبیه زینب کبری (س) که فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً» (لطف/۱۶۰)
- ماه مبارک رمضان بهترین فرصت برای تقرب است. زندگی در فضای تقرب و نزدیکی به خدا، زندگی بسیار متفاوتی است! از شما روزه گیرها می پرسم: آیا افطار یک مژه دیگری ندارد؟ یک لطف و صفای دیگری ندارد؟ (پیامبر(ص): لِصَائِمٍ فَرَحَتَانِ حِينَ يُفْطِرُ وَ حِينَ يَلْقَى رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛ من لایحضره الفقیه ۷۵/۲) همین که در موقع خداحافظی با ماه رمضان و عید فطر، به خاطر جدا شدن از این ماه، دلتان می گیرد و گریه می کنید، نشان دهنده همین حسن زیباست. این حسن را در قلب خودتان توسعه دهید.
- به عنوان نمونه، بچه رزمندهها را مثال زدیم که فهمیده بودند زندگی در فضای تقرب یک زندگی برتر است. زندگی متفرانه و زندگی توأم با تقرب واقعاً شیرینی دیگری دارد. در مقایسه با این زندگی، می توان گفت که دیگران اصلاً زنده نیستند که بخواهند شیرینی این زندگی را بچشند!

چگونه می توانیم در ماه رمضان بیشتر مقرب شویم؟ / وقتی یک ماه رمضان ولایی، مهدوی، سیاسی، انقلابی و حماسی، برگزار کنیم / معنویت رزمندهها در جبهه به همین دلیل بود

- ما در چه صورتی در ماه مبارک رمضان بیش از یک مقدار حداقلی، به خدا مقرب خواهیم شد؟ وقتی که یک ماه رمضان ولایی، سیاسی، انقلابی، حماسی، برگزار کنیم. وقتی که یک ماه رمضان مهدوی، یک ماه رمضان منتظرانه، یک ماه رمضان انقلابی داشته باشیم.
- بچههای رزمنده نماز شبهایشان را برای چه می خوانند؟ چرا آن طور مژه نماز شب را می چشیدند؟ چون در راه خدا داشتند جهاد می کردند. الان اگر شما همان ذکرها را بگویی به آنجا نخواهی رسید؛ مگر اینکه شما هم مثل بچه رزمندهها ذکر بگویی. آنها ذکر می گفتند که عملیات را پیش ببرند. و عملیات آنها هم در واقع کار برای اسلام و جامعه اسلامی بود. آدم از عرصه سیاست، عرصه انقلابی گری، عرصه کار برای جامعه، همان نورانیت را می تواند کسب کند و بعد نماز شب را هم به خاطر این کسب نور می خواند. نماز شب می خواند که برود این کارش را خوب انجام بدهد، بعد تازه از آن نماز شیش نور می گیرد.
- خدا می فرماید: «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت/۶۹) هر کسی در راه ما تلاش کند ما او را هدایت می کنیم. اینکه «ما او را هدایت می کنیم» یعنی همان زندگی در فضای تقرب، که می بینی دستت یدالله شده، چشمت عین الله شده گوشت اذن الله شده است؛ البته در مرتبه خودت.

زندگی در فضای تقرب را وقتی خوب لمس می کنی که خیلی سیاسی و انقلابی باشی

- زندگی در فضای تقرب چه موقع خوب لمس می شود؟ وقتی خیلی سیاسی باشی، وقتی که دغدغهها و دعاها تو خیلی برای رزمندگان باشد، وقتی بیشتر دعاها برای خط مقاومت دعا باشد. وقتی بنشین برای آنها ببندی و برای فرج دعا کنی، البته درست دعا کنی! نه اینکه دعا کنی آن مرد خودش بیاید و خودش کارها را درست کند!
- اهل بیت (ع) فرموده اند: حتی اگر شده یک تیر آماده کن و کنار بگذار که اگر حضرت آمد، با همین بروی پای رکابش (امام صادق ع: يُبْدِنُ أَحَدَكُمْ يُخْرُجُ الْقَائِمَ وَ لَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيَّتِهِ رَجَعَتْ لَأَنَّ نَبِيَّتِي فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ وَ يَكُونَ مِنْ أَعْوَابِهِ وَ أَنْصَارِهِ؛ غیبت نعمانی/۳۲۰) البته شما نمی خواهید این کارها را بکنید، اما لاقول یک لباس رزم، یک لباس خاکی بگذار همیشه در خانهات باشد. اگر پرسیدند این لباس برای چیست؟ بگو «این را گذاشته ام که اگر یک وقت آقایمان آمدند... با این کت شلوار که نمی شود رفت!» عجب! تو این قدر جدی می گیری؟! بله، روایت دارد که جدی بگیرد. چپه آقا را نگاه کن! رزمنده باش و همیشه برای نبرد آماده باش.
- آمد پیش امام صادق (ع) گفت: آقا ان شاء الله که امر فرج اهل بیت (ع) به سهولت و سلامتی رخ بدهد! از بس شنیده بود که جنگ و گریز و فتنه و کشتار خواهد شد، گفت ان شاء الله مشکلات امر فرج با آرامش حل شود! حضرت فرمود: به خدا قسم این طور نخواهد شد، تا وقتی ما با دست خودمان از پیشانی عرق و خون بسته پاک نکنیم فرج نخواهد آمد (عَنِ الْمُضَلِّ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ قَدْ ذَكَرَ الْقَائِمَ ع فَقُلْتُ إِنِّي لَأَرْجُو أَنْ يَكُونَ أَمْرُهُ فِي سَهْوَلَةٍ فَقَالَ لَا يَكُونَ ذَلِكَ حَتَّى تَمْسَحُوا الْعَلَقَ وَ الْعَرَقَ؛ غیبت نعمانی/۲۸۴) یعنی فرج ایجاد نمی شود مگر بعد از پدید آمدن چنین صحنههایی برای شما منتظران!

- رفقا! بیاید یکمقدار انقلابی، سیاسی، اجتماعی و دینی حرکت کنیم. این معنویت‌های سکولار چیست که ما به آنها عادت کرده‌ایم؟ معنا ندارد یک جوان برای خودش نماز شب بخواند که فقط نماز شب خوانده باشد! باید ببیند که بعد از این نماز شب‌ها چه خاصیتی پیدا کرده است؟ به چه دردی می‌خورد؟ در طول روز چه کار می‌کند؟ چه عزمی دارد؟! چه نیتی دارد؟ چه قصد و چه همتی دارد؟
- می‌پرسد: چکار کنم که مقرب شوم؟ انقلابی باش! انقلابی باش تا به خدا مقرب بشوی. حالا چکار کنم که انقلابی باشم؟ بالاخره یک خدمتی برای این نظام اسلامی انجام بده، یک کاری بکن، یک قدمی بردار! البته وقتی به بعضی‌ها می‌گویید: «یک خدمتی برای جامعه انجام بده!» می‌رود یک کارهایی می‌کند که اگر در آمریکا یا ژاپن یا چین هم بود، همین کارها را انجام می‌داد! یعنی یکسری خدمات اجتماعی انجام می‌دهد. منظور این نیست.

رمضان ماه معنویت سکولار، فاصله گرفتن از جامعه و رها کردن مردم نیست/ رمضان ماه بازگشت به سوی مردم است

- از ماه رمضان‌ات برای تقرب استفاده کن. منتها بدان که ماه رمضان ماه عزلت، معنویت سکولار و فاصله گرفتن از جامعه و رها کردن مردم نیست؛ ماه رمضان ماه بازگشتن به سوی مردم است. مردم‌ت را نجات بده! و در این راه کار کن. برای ولایت، ولایتمداری، تمرین ولایتمداری برای پای رکاب حضرت کار کن! یک کاری بکن.
- فرصت ماه مبارک رمضان برای تقرب، یک فرصت طلایی است و اگر می‌خواهید خوب مقرب شوید انقلابی باشید، جهادی باشید، حماسی باشید، ولایی باشید، منتظر باشید. امت خود را از بند اسارت رها کنید، این کارها را انجام دهید تا مقرب بشوید.

اگر کسی عارف شد ولی انقلابی نشد، دکان باز کرده/ اگر کسی انقلابی شد و عارف نشد، بازی درآورده

- ان‌شاء الله در این ماه مبارک رمضان مقرب شوید. آن وقت اگر مقرب شوید، می‌فهمید که چرا هر کسی عارف می‌شود، انقلابی می‌شود؟ و چرا هر کسی انقلابی می‌شود، عارف می‌شود؟ اگر کسی انقلابی شد ولی عارف نشد، بازی در آورده است و به انقلابی‌گری هم ضربه می‌زند. و اگر کسی عارف شد ولی انقلابی نشد، دکان باز کرده است و به عرفان هم لطمه می‌زند.
- ماه مبارک رمضان ماه شهادت امیرالمؤمنین علی(ع) است. روضه‌های امیرالمؤمنین علی(ع) از جنس حماسه کربلا نیست، از جنس رنج‌هایی است که به این سادگی نمی‌شود برایش فریاد زد. همان رنج‌هایی که موجب می‌شد امیرالمؤمنین(ع) سر در چاه بگذارد و مظلومانه فریاد بزند.

